

The model of reducing tax disputes with tax audit of banking transactions of companies and businesses: Multi Grounded Theory Approach.

- Mokhtar Baseri ^۱
- Ali Amiri ^۲
- Hojjatallah Salari ^۳
- Hamid Rostami Jaz ^۴

Abstract

The purpose of this research is to provide a model for reducing tax disputes with tax audit of bank transactions of companies and businesses. This research, using the qualitative data method of the Multi Grounded Theory Approach (Goldkuhl and Cronholm version) and by conducting semi-structured interviews with ۱۲ executive and academic experts who were selected using the theoretical sampling method, extracted ۲۰۱ conceptual codes and analyzed the data. Using MAXQDA software, he has tried to present a conceptual model including causal conditions, intervenors, foundations, strategies and consequences. Based on the results, the consequences of the tax audit of the bank transactions of taxpayers to reduce tax disputes include simplifying and clarifying the method of tax assessment, fair distribution of tax burden, reducing estimated and arbitrary assessments, proving hidden incomes, increasing self-declaration and voluntary compliance, reducing disputes. and the shortening of the tax proceedings and the increase of opportunistic actions. In this regard, factors such as financial institutions outside of the central bank's supervision, multiple bank accounts, non-cash income and non-revenue transactions, bank secrecy and methods of receiving and paying are alternative interfering factors that limit the tax audit of bank transactions. The current research, while increasing knowledge, is effective in developing existing theory to reduce tax disputes.

Key words: tax disputes, tax audit, bank transactions, multifaceted Multi Grounded Theory

^۱. PhD. Student, Department of Accounting, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran.

^۲. Department of Accounting, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas , Iran, (Corresponding Author), Email : amiri.study@gmail.com

^۳. Department of Accounting, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas , Iran.

^۴. Department of Accounting, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas , Iran.

الگوی کاهش اختلافات مالیاتی با حسابرسی مالیاتی تراکنش‌های بانکی شرکت‌ها و

مشاغل: رهیافت داده بنیاد چندوجهی

- مختار باصری^۱
- علی امیری^۲
- حجت‌الله سالاری^۳
- حمید رستمی جاز^۴

چکیده

هدف از پژوهش حاضر ارائه الگوی کاهش اختلافات مالیاتی با حسابرسی مالیاتی تراکنش‌های بانکی شرکت‌ها و مشاغل است، این پژوهش با استفاده از روش کیفی داده بنیاد چندوجهی (نسخه گلدکهل و کرونهلیم) و با انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته از ۱۲ نفر از خبرگان اجرایی و دانشگاهی که با استفاده از روش نمونه‌گیری نظری انتخاب گردیده‌اند، ۲۵۱ کد مفهومی استخراج و با تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA اقدام به ارائه یک مدل مفهومی شامل شرایط علی، شرایط بستر، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها نموده است. بر اساس نتایج، پیامدهای ناشی از حسابرسی مالیاتی تراکنش‌های بانکی مؤدیان برای کاهش اختلافات مالیاتی شامل ساده‌سازی و شفاف‌سازی نحوه تشخیص مالیات، توزیع عادلانه بار مالیاتی، کاهش تشخیص‌های برآوردی و سلیقه‌ای، اثبات درآمدهای کتمان شده، افزایش خوداظهاری و تمکین داوطلبانه، کاهش اختلافات و کوتاه شدن فرآیند دادرسی مالیاتی و افزایش اقدامات فرصت‌طلبانه می‌باشد. در همین راستا عواملی همچون مؤسسات مالی خارج از حوزه نظارت بانک مرکزی، تعدد حساب‌های بانکی، درآمدهای غیرنقد و تراکنش‌های غیردرآمدی، رازداری بانکی و روش‌های دریافت و پرداخت جایگزین عوامل مداخله‌گری هستند که حسابرسی مالیاتی تراکنش‌های بانکی را با محدودیت مواجه می‌نمایند. پژوهش حاضر ضمن دانش‌افزایی، در توسعه نظریه‌ای موجود برای کاهش اختلافات مالیاتی مؤثر است.

واژه‌های کلیدی: اختلافات مالیاتی، حسابرسی مالیاتی، تراکنش‌های بانکی، روش داده بنیاد چندوجهی

۱. دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران.

۲. استادیار گروه حسابداری، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران (نویسنده مسئول). ایمیل:

amiri.study@gmail.com

۳. استادیار گروه حسابداری، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران.

۴. استادیار گروه حسابداری، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران.

مالیات به عنوان یکی از ابزارهای سیاست‌گذاری مالی، نقش مهمی در تأمین مخارج دولت‌ها و دوام و بقا دولت‌ها ایفا می‌نماید، با این حال همواره موجب بروز تضاد و کشمکش میان مؤدیان و دولت بوده است (بیگ‌پور، ۱۳۸۲). وقوع اختلاف بین مؤدی و مأموران مالیاتی محتمل و امری طبیعی است، با این حال اختلافات مالیاتی از یک سو موجبات نارضایتی مؤدیان و از سوی دیگر اطاله وصول مالیات و نیز تحمیل هزینه‌های دادرسی به سازمان امور مالیاتی را در پی دارد (ارتا و همکاران، ۱۴۰۰). از میان انواع مختلف مالیات در ایران، مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی و مالیات بر درآمد مشاغل بر اساس میزان سوددهی تشخیص و وصول می‌گردند ولی به دلیل تفاوت میان حسابداری مالی و حسابداری مالیاتی توافق نظر در خصوص مبلغ سود قبل از مالیات وجود ندارد و همواره میان مالیات ابرازی شرکت‌ها و مشاغل و مالیات تشخیصی توسط مأموران مالیاتی اختلاف قابل توجهی وجود دارد (مهرکام و حصنی مقدم، ۱۴۰۰). این اختلافات باعث ایجاد عدم اطمینان و کاهش اعتماد به سیستم مالیاتی و ورود پرونده‌های مالیاتی به مراحل دادرسی مالیاتی می‌گردد (داروسالام^۱ و همکاران، ۲۰۱۹). طبق آمار منتشر شده در سال ۲۰۱۴ در بریتانیا ۲۹ میلیون پرداخت کننده مالیات بر درآمد وجود داشته اما تعداد پرونده‌های ثبت شده در دیوان عالی تنها حدود ۳۰ پرونده در سال بوده است (سوشما و سریواستوا^۲، ۲۰۱۴)، این در حالی است که در ایران به طور متوسط سالانه ۴۵۰۰۰۰ پرونده مالیاتی در هیئت‌های حل اختلاف مالیاتی مطرح می‌گردد که با برآورد هزینه-منفعت، طی نمودن فرآیند دادرسی مالیاتی برای سازمان امور مالیاتی صرفه اقتصادی نداشته است (موسوی و ابراهیمی کرهرودی، ۱۳۹۷). نتایج پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد اختلافات مالیاتی میان شرکت‌ها و مشاغل و سازمان امور مالیاتی نگرانی‌های زیادی میان مؤدیان و سازمان بوجود آورده است، این اختلافات ریشه در عوامل متعددی دارد. تشخیص مالیات بر اساس سود (ادوارد^۳، ۲۰۰۳؛ خدای‌پور و ترک‌زاده ماهانی، ۱۳۹۰؛ مهرکام و حصنی مقدم، ۱۴۰۰)، ضعف منابع اطلاعاتی (حاج محمدی، ۱۳۸۸)، اشتیاق مؤدیان به پرداخت مالیات کمتر (خانی و همکاران، ۱۳۹۳؛ یآوری و اداریسیان، ۱۳۹۷) و استفاده از روش‌های حسابرسی مالیاتی سنتی (برزگری دهج و همکاران ۱۴۰۰؛ نوذری و شهابی، ۱۳۹۶) از جمله این عوامل هستند. برای تشخیص صحیح مالیات نیاز به استفاده از منابع اطلاعاتی صحیح و کامل و روش‌های حسابرسی مالیاتی روزآمد است تا از این طریق موجبات افزایش کارایی نظام مالیاتی و کاهش اختلافات مالیاتی فراهم گردد. بنابراین

^۱ Darussalam^۲ Sushma & Srivastava^۳ Edvard

سازمان‌های مالیاتی برای کاهش هزینه‌های اجرایی درصدد جایگزینی روش‌های حسابرسی مالیاتی جدید و کم هزینه به جای روش‌های حسابرسی سنتی برای تشخیص و وصول مالیات می‌باشند (نوذری و شهابی، ۱۳۹۶)، اخذ مالیات به شیوه فعلی باعث بروز مشکلات اجرایی و نارضایتی‌هایی مانند فرار مالیاتی، فساد مالیاتی و پیچیدگی در اجرا گردیده است، لذا تغییر شیوه وصول مالیات که باعث حل مشکلات و کاهش اختلافات گردد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (بابائی و همکاران، ۱۴۰۳). در همین راستا سوشما و سریواستاوا (۲۰۱۴) برای اصلاح و ساده‌سازی سیستم مالیاتی، کاهش هزینه وصول مالیات و کاهش فرار مالیاتی، رسیدگی به تراکنش‌های بانکی مؤدیان را پیشنهاد می‌نماید. تراکنش‌های بانکی مؤدیان یک منبع غنی و جدید اطلاعاتی است که در سالهای اخیر زیرساخت‌های قانونی برای دسترسی سازمان امور مالیاتی به این اطلاعات فراهم گردیده است، تراکنش‌های بانکی نقش مهمی در جلوگیری از سفته‌بازی در بازار ارز، جلوگیری از قاچاق کالا، مبارزه با فساد و پولشویی و اثبات درآمد مؤدیان دارد. چرا که عمده فعالیت‌ها و تعاملات اقتصادی مابه‌ازایی در تراکنش‌های بانکی خواهد داشت (فصلنامه مجلس و پژوهش، ۱۳۹۰). استفاده از تراکنش‌های دیجیتال بانکی ضمن فراهم‌سازی امکان ردیابی معاملات، پاسخگویی و شفافیت در فعالیت‌های اقتصادی را بهبود می‌بخشد (ساتیا^۱، ۲۰۱۹)، و با شفافیت ایجاد شده برای اثبات درآمد با استفاده از تراکنش‌های بانکی، خلأهای موجود در فرآیند تشخیص مالیات، چانه‌زنی بین مؤدی و حسابرس مالیاتی و امکان انکار درآمدهای تشخیص شده حسابرسان توسط مؤدیان از بین می‌رود. با توجه به ابهامات مربوط به حسابرسی عملکرد مشاغل و شرکت‌ها به روش‌های سنتی و ایجاد اختلافات مالیاتی و به تبع آن نارضایتی مؤدیان، این مقاله با هدف ارتقاء نظام مالیاتی کشور به دنبال ارائه الگوی کاهش اختلافات مالیاتی با حسابرسی مالیاتی تراکنش‌های بانکی شرکت‌ها و مشاغل می‌باشد. بنابراین هدف پژوهش حاضر شناسایی مهمترین مؤلفه‌ها و عوامل تأثیرگذار بر کاهش اختلافات مالیاتی با حسابرسی تراکنش‌های بانکی مؤدیان است. در همین راستا مسئله اصلی تحقیق به این صورت مطرح می‌شود که مؤلفه‌های تأثیرگذار بر کاهش اختلافات مالیاتی با حسابرسی تراکنش‌های بانکی مؤدیان در ایران چیست؟، روابط بین این مؤلفه‌ها به چه صورت است؟ و چگونه می‌توان این عوامل را به صورت یک مدل مفهومی متناسب با شرایط ایران سازماندهی نمود؟. نتایج این پژوهش می‌تواند سازمان امور مالیاتی را در پیش‌بینی دقیق درآمدهای مؤدیان، تشخیص صحیح مالیات و کاهش تعداد پرونده‌های مطرح در مراحل دادرسی مالیاتی یاری نماید.

^۱ Satya

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مبانی نظری پژوهش در دو بخش ارائه می‌گردد، بخش اول به ارائه تئوری‌ها و مبانی نظری در حوزه اختلافات مالیاتی و بخش دوم به ارائه مبانی نظری در ارتباط با حسابرسی مالیاتی تراکنش‌های بانکی می‌پردازد. طبق گزارش بانک جهانی پرداخت مالیات در سال ۲۰۲۰، از بین ۱۹۰ کشور، ایران در رتبه ۱۴۴ از حیث سهولت پرداخت مالیات قرار گرفته است (گروه بانک جهانی مالیات، ۲۰۲۰). پیچیدگی قانون و سیستم مالیاتی ناعادلانه تأثیر منفی بر احساس همکاری و تمکین مؤدی دارد که منجر به بروز اختلاف بین مؤدی و سازمان امور مالیاتی می‌گردد، لذا اغلب کارشناسان مالیات اذعان دارند فرآیند ابراز و تشخیص مالیات در ایران دارای ضعف‌های اساسی است که نیاز به اصلاح و بازنگری دارد (رستمی، ۱۳۹۵). اختلافات مالیاتی به دلیل اختلاف نظر بین مؤدی و مأمور مالیاتی در خصوص مالیات قابل پرداخت به چهار دلیل اتفاق می‌افتد، دلیل اول به سیاست‌های سازمان امور مالیاتی که بر اساس اختیارات قانونی اتخاذ می‌گردد، مربوط می‌شود و ممکن است مورد رضایت مؤدیان واقع نگردد، تفاوت در تفسیر قوانین، تفاوت در روش محاسبه مالیات و اعتراض به اعمال جرایم مالیاتی از دیگر دلایل بروز اختلافات مالیاتی است (سوهارنو^۱، ۲۰۲۰). یکی از مهمترین دلایل اختلافات مالیاتی مربوط به روش محاسبه مالیات است، مالیات بر درآمد شرکت‌ها و مشاغل یکی از پیچیده‌ترین مالیات‌ها است و تعیین سود یا درآمد مشمول مالیات فرآیندی دشوار است (دب^۲، ۲۰۲۴). ادوارد (۲۰۰۳) بیان می‌کند ساختار پیچیده و معیوب مالیات بر سود یکی از مهمترین معایب تشخیص مالیات بر اساس سود است که باعث ایجاد تحریف و اختلاف مالیاتی می‌گردد. استفاده از سود به عنوان مبنای اصلی تشخیص مالیات شرکت‌ها و مشاغل باعث بروز اختلاف بین مؤدی و سازمان امور مالیاتی می‌گردد، چرا که سود حسابداری با توجه به رویه‌های حسابداری انتخابی مدیریت می‌تواند تحت تأثیر مدیریت سود و هموارسازی سود قرار گیرد (خدمی‌پور و ترک زاده ماهانی، ۱۳۹۰). علاوه بر این میل به پرداخت مالیات کمتر توسط مؤدیان یا اقدامات خارج از ضوابط قانونی حسابرسان مالیاتی نیز از دلایل بروز اختلافات مالیاتی است (یاوری و ادریسیان، ۱۳۹۷).

علاوه بر مشکلات مربوط به استفاده از سود برای تشخیص مالیات، نظیر روش محاسبه و ساختار پیچیده و معیوب آن که امکان مدیریت و هموارسازی سود را برای شرکت‌ها و مشاغل فراهم می‌آورد، ضعف اطلاعاتی حسابرسان مالیاتی برای اثبات سود نیز یکی دیگر از مشکلات مأموران مالیاتی برای رسیدگی به سود است که منجر به بروز اختلافات مالیاتی می‌گردد. در هنگام رسیدگی

^۱ Suharno^۲ Deb

به سود ابرازی شرکت‌ها و مشاغل در غالب اظهارنامه‌های مالیاتی، بین مؤدی و حساب‌رسان مالیاتی تقارن اطلاعاتی برای ارزیابی عملکرد مالی وجود ندارد و کسب اطلاعات از تمام جوانب فعالیت مؤدیان و حسابرسی آنها توسط حساب‌رسان مالیاتی امری بسیار پرهزینه و تقریباً غیرممکن است (برزگری دهج و همکاران، ۱۴۰۰). یک نظام مالیاتی پویا نظامی است که وصول آن در حداکثر، هزینه جمع‌آوری آن در حداقل و تا حد امکان ساده، قاطع و غیرقابل تفسیر باشد تا بتواند تشخیص و وصول مالیات‌ها را آسان و درآمدهای مالیاتی را تحقق و اختلاف بین مالیات‌دهندگان و مالیات‌گیرندگان را به حداقل برساند (پاکدامن و همکاران، ۱۴۰۱)، بنابراین استفاده از سود خالص و ضعف اطلاعاتی حساب‌رسان مالیاتی برای اثبات سود و نهایتاً تشخیص مالیات، منجر به ایجاد تحریف و اختلاف مالیاتی می‌گردد. بروز اختلافات مالیاتی ضمن ایجاد عدم اطمینان و کاهش اعتماد به سیستم مالیاتی (داروسلام و همکاران، ۲۰۱۹)، منجر به ایجاد ناراضیاتی مؤدیان، اطاله وصول مالیات و نیز تحمیل هزینه‌های دادرسی به سازمان امور مالیاتی می‌گردد (ارتا و همکاران، ۱۴۰۰).

بخش دوم مبانی نظری مربوط به حسابرسی مالیاتی تراکنش‌های بانکی است. منظور از تراکنش‌های بانکی در این تحقیق همان تعریف قانونی آن است که بیان می‌دارد «تراکنش‌های بانکی» یک پیام الکترونیکی است که بنا به تقاضای مشتری در یکی از درگاه‌های ارائه خدمات بانکی نظیر خودپرداز یا پایانه فروش، ایجاد و به شبکه بانکی ارسال می‌شود^۱. تراکنش‌های بانکی شرکت‌ها و مشاغل در ایران در سال‌های اخیر با ایجاد زیرساخت‌های قانونی در اختیار سازمان امور مالیاتی قرار گرفته است، با این حال استفاده از اطلاعات تراکنش‌های بانکی برای تشخیص مالیات شرکت‌ها و مشاغل ایده جدیدی نیست و تجربیات جهانی در این زمینه نقش مهمی در نظام‌های پیشرفته مالیاتی کشورهای مختلف داشته است (پاکدامن و همکاران، ۱۴۰۱). حسابرسی تراکنش‌های بانکی مؤدیان شکاف بین مالیات ابرازی و مالیات تشخیصی را مرتفع می‌نماید (پاکدامن و همکاران، ۱۴۰۱)، شرکت‌ها و مشاغل وجوه حاصل از فروش کالا و ارائه خدمات را به حساب‌های بانکی واریز و برای پرداخت بهای کالا و خدمات خریداری شده نیز از سیستم بانکی استفاده می‌نمایند، بنابراین عمده فعالیت‌ها و تعاملات اقتصادی مابه‌ازایی در تراکنش‌های بانکی خواهند داشت که این امر منجر به کشف درآمدهای کتمان شده مؤدیان می‌گردد و امکان انکار آن مگر در موارد غیردرآمدی وجود ندارد. شفافیت تراکنش‌های بانکی شاه‌کلیدی است که می‌تواند بدون تغییر قوانین، ضمانت اجرایی و اثربخشی آن‌ها را به شدت افزایش دهد (فصلنامه مجلس و پژوهش، ۱۳۹۰) و به عنوان یک منبع غنی اطلاعاتی کمک قابل توجهی به تشخیص صحیح مالیات، انجام

^۱ بند د ماده یک آئین نامه نظام بانکداری الکترونیکی مصوب مورخ ۱۳۸۶/۱۲/۲۲ هیئت وزیران.

یک حسابرسی مالیاتی بهینه، پرداخت عادلانه مالیات توسط مؤدیان، کاهش فرار مالیاتی و کاهش اختلافات مالیاتی نموده و تعریفات ذاتی در اخذ مالیات بر سود را حذف نماید (گارنات^۱ و همکاران، ۲۰۲۰). حسابرسی تراکنش‌های دیجیتال بانکی امکان ردگیری فعالیت‌های اقتصادی و اثبات درآمد شرکت‌ها و مشاغل را فراهم می‌آورد، نقص ذاتی روش‌های حسابرسی سنتی را ندارد و ضعف منابع اطلاعاتی را پوشش می‌دهد. ارزیابی واقعی ۸۲ کشور عضو و غیرعضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی^۲ که کلیه کشورها عضو را ملزم به فراهم‌سازی شرایطی جهت دستیابی به اطلاعات بانکی در راستای اهداف مالیاتی می‌نماید، نیز مبین پیشرفت‌ها و اصلاحاتی در افزایش شفافیت و مبادله اطلاعات در راستای اهداف مالیاتی بوده است (حاج‌محمدی، ۱۳۸۸).

به طور کلی نگاهی به پیشینه تحقیقاتی انجام شده در حوزه قلمرو موضوعی پژوهش نشان می‌دهد تاکنون به صورت مستقیم در این رابطه پژوهشی انجام نشده است اما در خصوص اختلافات بین سود ابرازی و سود مشمول مالیات، دادرسی مالیاتی، استفاده از تراکنش‌های بانکی و حسابرسی تراکنش‌های بانکی مشکوک پژوهش‌های مختلفی انجام شده است که در ادامه به مهمترین آنها اشاره می‌شود.

بابائی و همکاران (۱۴۰۳) در تحقیقی با عنوان نقش مالیات مبتنی بر تراکنش‌های مالی در افزایش درآمد دولت نشان دادند مالیات بر تراکنش‌های بانکی باعث بهبود وصول مالیات می‌گردد و روند فرسایشی کنونی تا حدود زیادی اصلاح می‌گردد. حکیمی و کاظمی (۱۴۰۲) در تحقیقی با عنوان رسیدگی مالیاتی تراکنش‌های بانکی از منظر حقوقی - اقتصادی بیان نمودند که تراکنش‌های بانکی به خودی خود مؤید درآمد نبوده و نیازمند مدارک تکمیلی است و کسب اطلاعات صرفاً از تراکنش‌های بانکی، موجب افزایش اعتراض مؤدیان و ایجاد نارضایتی در آنها می‌گردد. پاکدامن و همکاران (۱۴۰۱) در تحقیقی با عنوان نقش تراکنش‌های بانکی در اثربخشی نظام مالیاتی و کاهش شکاف مالیات‌های ابرازی با تشخیصی و قطعی اشخاص حقوقی دریافتند نظام مالیاتی فعلی فاقد اثربخشی لازم است در حالی که با اخذ مالیات بر مبنای تراکنش‌های بانکی، ضمن وصول آنی درآمد مالیاتی، منابع مالی مورد نیاز دولت نیز به موقع تأمین می‌گردد. عبداللهی (۱۳۹۹) در تحقیقی با عنوان تشخیص مالیات براساس تراکنش‌های بانکی در نظام حقوقی ایران که با رویکرد توصیفی - تحلیلی انجام شد نشان داد نه تنها سازمان امور مالیاتی صلاحیت بررسی کلیه تراکنش‌های بعد از سال ۱۳۹۵ را داراست بلکه اخذ مالیات از تراکنش‌های «درآمدی» و حتی «با منشأ نامشخص» نیز واجد مبانی حقوقی است. موسوی و ابراهیمی کهرودی (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان بررسی

^۱ Garnaut

^۲ OECD

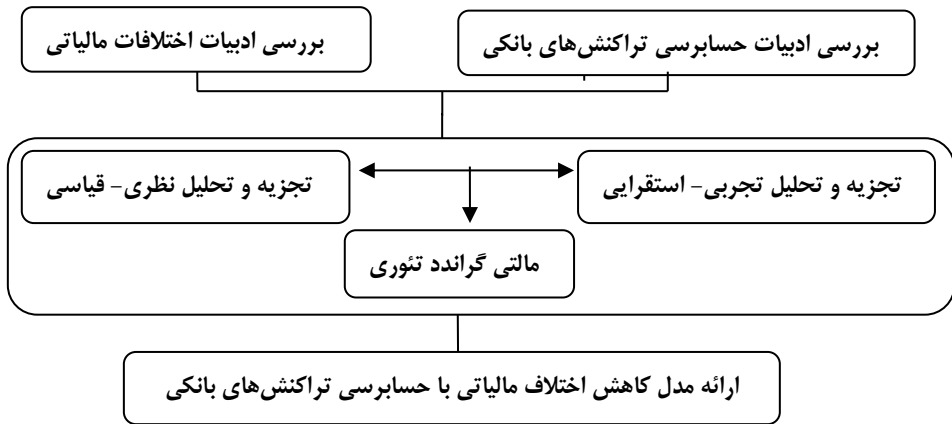
مشکلات و چالش‌های نظام دادرسی مالیاتی ایران به این نتیجه رسیدند که طولانی بودن فرآیند دادرسی مالیاتی در ایران، حجم بالای پرونده‌های مطرح در هیئت‌های حل اختلاف مالیاتی و عدم رعایت بی‌طرفی از مهمترین مشکلات نظام دادرسی مالیاتی ایران است. حاج‌محمدی (۱۳۸۸) ضمن مرور اجمالی رهنمودهای سازمان توسعه و همکاری اقتصادی، وضعیت موجود نظام‌های مالیاتی و بانکی ایران از نقطه نظر مبادله اطلاعات را با معیارها و استانداردهای بین‌المللی مورد ارزیابی قرارداد، نتایج تحقیق ایشان نشان داد در ایران برخلاف کشورهای عضو، اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی فاقد شماره شناسایی مؤدی منحصر به فرد هستند، بانک‌ها ملزم به ارائه خودکار اطلاعات بانکی به مراجع مالیاتی نیستند و بانک اطلاعاتی متمرکزی از حساب‌های بانکی در اختیار سازمان امور مالیاتی کشور نیست. دب (۲۰۲۴) در تحقیقی در هند بررسی کرد که آیا اصلاح سیستم مالیاتی می‌تواند اختلافات مالیاتی را پایان دهد، نتایج تحقیق وی نشان داد که دولت با ایجاد ساز و کار دیجیتال و استفاده از تراکنش‌های بانکی، بدون تعامل فیزیکی بین مالیات‌دهندگان و مأموران مالیاتی برای ارزیابی و رسیدگی، می‌تواند اختلافات مالیاتی را به حداقل برساند. سپیریانی^۲ و همکاران (۲۰۲۲) مالیات تراکنش‌های بانکی و کارایی اطلاعاتی بازارهای مالی را مورد بررسی قرار دادند، آنها دریافتند مالیات بر تراکنش‌های بانکی باعث افزایش معاملات آگاهانه و بهبود جمع اطلاعات می‌گردد. گارنات و همکاران (۲۰۲۰) در تحقیقی به بررسی جایگزینی مالیات بر درآمد شرکت با مالیات بر جریان نقدی در کشور استرالیا پرداختند، آنها به این نتیجه رسیدند که جایگزینی مالیات بر درآمد شرکت با جریان نقد تحریفات ذاتی در اخذ مالیات بر درآمد را از بین می‌برد و منجر به توزیع عادلانه بار مالیاتی و کارایی و رشد اقتصادی می‌گردد. ساتیا (۲۰۱۹) در تحقیقی با عنوان روندهای نوظهور تراکنش‌های دیجیتالی به عنوان جایگزینی برای تراکنش‌های نقدی، به این نتیجه رسیده است که تراکنش‌های دیجیتال بانکی منجر به کاهش اجتناب مالیاتی و افزایش شفافیت و پاسخگویی و نهایتاً افزایش مالیات وصولی می‌گردد. کارتون و همکاران (۲۰۱۹) در تحقیقی به بررسی اصلاح مالیات شرکت‌ها از مالیات بر درآمد به مالیات بر جریان نقدی پرداخته‌اند، آنها دریافتند مالیات بر جریان نقدی به جای مالیات بر درآمد باعث ترغیب شرکت‌ها به سرمایه‌گذاری بیشتر و افزایش تولید می‌گردد و اثرات تغییر از مالیات بر درآمد به مالیات بر جریان نقدی در بلندمدت مثبت است. سوشما و سریواستاوا (۲۰۱۴) با بررسی مالیات بر تراکنش‌های بانکی به این نتیجه رسیدند که ساده‌سازی پیچیدگی نظام مالیاتی فعلی، کاهش هزینه مالیات و اعمال مالیات تک‌نرخ‌ی یا به عبارت دیگر اصلاح نظام مالیاتی با اخذ مالیات از تراکنش‌های بانکی شرکت‌ها و صنعت می‌تواند مؤثر باشد.

^۱TIN

^۲ Cipriani

۳- روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر ماهیت داده‌ها پژوهشی کیفی است، یکی از روش‌های مهم کیفی، نظریه‌پردازی داده‌بنیاد است و هدف آن شناخت و درک تجارب افراد از رویدادها و وقایع در بستری خاص است (استراوس و کوربین، ۱۹۹۸). در این نظریه‌پردازی چهار رویکرد وجود دارد، رویکرد گلیزر (کلاسیک)، رویکرد استراوس و کوربین، رویکرد ساختارگرایانه چارمز و رویکرد نظریه داده‌بنیاد چندوجهی گلدکهل و کرونهللم. دو رویکرد اول استقرایی است، رویکرد سوم علاوه بر بحث استقرا و استفاده از استنتاج، تأکید زیادی بر بهترین تبیین پیشینه پژوهش دارد (نصر و همکاران، ۱۳۹۸). در روش نظریه داده‌بنیاد چندوجهی علاوه بر استفاده از رویکرد تجربی و استقرایی، از روش قیاسی و بررسی نظری نیز استفاده می‌گردد، در نتیجه علاوه بر تجزیه و تحلیل تجربی مرسوم، دو تجزیه و تحلیل دیگر شامل صحنه‌گذاری نظری و صحنه‌گذاری داخلی به صورت جداگانه به فرآیند نظریه داده بنیاد اضافه می‌گردد (فرودی و حجازی، ۱۳۹۹)، به همین دلیل در پژوهش حاضر از رویکرد نظریه داده‌بنیاد چندوجهی استفاده شده است. در این روش کار با مبانی نظری موجود شروع می‌شود و داده‌های اولیه مربوط به تحقیقات انجام شده گردآوری می‌گردد. پس از بررسی دقیق مبانی نظری، با استفاده از فراترکیب و سپس انجام مصاحبه‌های عمیق با استفاده از گراندتئوری و ترکیب آنها با استفاده از مالتی‌گراند، بین نظریه‌های موجود و داده‌های تجربی، مدل جامعی برای کاهش اختلافات مالیاتی با حسابرسی تراکنش‌های بانکی ارائه می‌گردد، بنابراین پژوهش حاضر از نظر ماهیت داده‌ها پژوهشی کیفی، از نظر هدف پژوهشی بنیادی و کاربردی، از نظر روش شناخت پژوهشی تجربی و از نظر نوع استدلال هم قیاسی و هم استقرایی است. مراحل انجام تحقیق در شکل ۱ بیان شده است.



شکل ۱. مراحل انجام تحقیق

منبع: یافته‌های محقق

۴- روش‌های گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش با توجه به استفاده از روش داده‌بنیاد چندوجهی، گردآوری و تحلیل داده‌ها در دو مرحله انجام گرفت. در مرحله اول از فراترکیب استفاده شد تا ارائه نظریه به روش چندگانه انجام شود یعنی نظریه کشف شده هم از لحاظ تجربی (روش نمونه‌گیری نظری) و هم از لحاظ تئوریک (مقایسه با تئوری‌های پیشین) مورد چالش قرار گیرد و از این طریق به غنای پژوهش افزوده گردد، در همین راستا اسناد معتبر و موثق از کتاب‌ها و مقالات و سایت‌های معتبر داخلی و خارجی با استفاده از جستجوی اینترنتی بررسی گردید که منجر به شناسایی ۳۲۰ پژوهش و متون مربوط گردید. سپس با بررسی کیفی اسناد شناسایی شده، ۵۳ پژوهش و متن که از سال ۱۹۰۰ به بعد چاپ گردیده، دارای اعتبار بوده و از واژه‌های کلیدی نظیر مالیات، اختلافات مالیاتی و تراکنش‌های بانکی در آنها استفاده شده است برای استفاده در مرحله فراترکیب انتخاب گردیدند، از پژوهش‌ها و متون انتخاب شده ۴۲ مورد مربوط به مقالات و متون منتشر شده در ایران و ۱۱ مورد مربوط به سایر کشورها است. در این پژوهش برای دسته بندی و کدگذاری داده‌ها از نرم‌افزار مکس کیودا^۱ استفاده شد، ابتدا با فراترکیب ادبیات موجود دقیق بررسی شده است، کدهای مستخرج از ادبیات به مفاهیم و مفاهیم به زیرمقوله‌ها و زیرمقوله‌ها به مقوله تبدیل شده اند، سپس مفاهیم و مقوله‌های استخراجی از ادبیات وارد مصاحبه شده است. پس از اتمام مرحله فراترکیب نوبت به مرحله دوم یعنی انجام

^۱Maxqda

مصاحبه با استفاده از گراند تئوری می‌رسد تا از این طریق به بسط مبانی نظری، شناسایی مؤلفه‌ها و نهایتاً تدوین مدل مفهومی پژوهش پرداخته شود. در ابتدا از مصاحبه‌های ساختار نیافته جهت دستیابی به کدها و مفاهیم استفاده شد. در ادامه به کمک مصاحبه نیمه ساختارمند مدل مربوطه استخراج و تکمیل گردید. در این پژوهش تلاش شد تا با افراد صاحب‌نظر و افرادی که شخصاً موضوع تحقیق را تجربه کرده‌اند و دارای دانش و تجربه بالایی در این زمینه هستند، مصاحبه صورت گیرد؛ بنابراین برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری نظری که بر مفاهیم استخراج شده از داده‌ها استوار است استفاده شده است (نصر و همکاران، ۱۳۹۸). جامعه آماری این تحقیق سه گروه افراد را شامل می‌شود، اول کارشناسان و کارشناسان ارشد مالیاتی، رؤسای گروه مالیاتی، رؤسای امور مالیاتی و رئیس امور بازرسی مالیاتی و پولشویی که همگی در ارتباط مستقیم با حسابرسی مالیاتی و تشخیص مالیات شرکت‌ها و مشاغل هستند، دوم اساتید حسابداری دانشگاه‌ها که حداقل استادیار بوده، در زمینه مالیات مشاوره می‌دهند و حداقل دو مقاله علمی پژوهشی در حوزه مالیات دارند و سوم شاغلین اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران و مدیران مالی شرکت‌ها و مشاغل. در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد گردآوری داده‌ها تا زمانی ادامه می‌یابد که افراد مورد مصاحبه مطلب جدیدی به داده‌ها اضافه نکنند. این پژوهش پس از انجام ۱۲ مصاحبه به نقطه اشباع رسید و نیازی به انجام مصاحبه‌های جدید وجود نداشت، انجام هر مصاحبه به طور متوسط چهل و پنج دقیقه به طول انجامید. در جدول ۱ ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان ارائه گردیده است.

جدول ۱. اطلاعات جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان

مصاحبه شونده	سن	سطح تحصیلات	سابقه کار	سمت	تعداد کدهای مستخرج
۱	۴۴	دکتری	۱۴	استاد دانشگاه	۱۶
۲	۴۹	دکتری	۲۰	استاد دانشگاه	۲۰
۳	۴۹	کارشناسی ارشد	۲۱	معاون مالیاتی	۲۵
۴	۵۰	کارشناسی ارشد	۲۵	رئیس امور بازرسی مالیاتی و پولشویی	۳۳
۵	۴۷	کارشناسی ارشد	۲۱	رئیس امور مالیاتی	۱۹
۶	۵۰	کارشناسی ارشد	۲۴	رئیس امور مالیاتی	۲۴
۷	۴۳	کارشناسی ارشد	۱۷	رئیس گروه مالیاتی	۱۷
۸	۴۶	دانشجوی دکتری	۱۹	رئیس گروه مالیاتی	۱۷
۹	۴۰	کارشناسی ارشد	۱۴	حسابرس مالیاتی	۱۴
۱۰	۴۰	دانشجوی دکتری	۱۵	مدیر مالی	۲۶

مصاحبه شونده	سن	سطح تحصیلات	سابقه کار	سمت	تعداد کدهای مستخرج
۱۱	۴۱	دانشجوی دکتری	۱۵	حسابدار رسمی	۱۸
۱۲	۴۲	کارشناسی ارشد	۱۸	حسابدار رسمی	۲۲
جمع کل					۲۵۱

منبع: یافته‌های محقق

۵- یافته‌های پژوهش

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، متن مصاحبه‌ها و مقاله‌ها به نرم‌افزار مکس کیودا ۱۰ وارد و کدگذاری‌ها انجام گرفت، با مقایسه کدها با نتایج پژوهش، صحت کدگذاری‌ها تأیید یا تصحیح گردیده است. در ادامه نتایج بر اساس مراحل سه‌گانه نظریه داده‌بنیاد چندوجهی شامل ۱- بازتاب حوزه‌های مورد علاقه پژوهش و تجدیدنظر، ۲- خلق نظریه و ۳- شفاف‌سازی مبتنی بر داده‌ها (گلدکهل و کرونهلیم، ۲۰۱۰) تشریح می‌گردد.

۵-۱- بازتاب حوزه‌های مورد علاقه پژوهش و تجدیدنظر: با طرح مبانی نظری و تجدیدنظر در مصاحبه‌های قبلی بر اساس مصاحبه‌های جدید، به حوزه‌های مورد علاقه پژوهش به طور مستمر مراجعه گردید تا اطمینان حاصل شود جهت‌گیری تجربی و نظری پژوهش در مسیر صحیح هدایت می‌شود، بنابراین این مرحله از نظریه داده‌بنیاد چندوجهی تأمین شده است.

۵-۲- خلق نظریه: خلق نظریه دربرگیرنده چهار گام است:

- گام اول کدگذاری استقرایی (کدگذاری باز)
- گام دوم اصلاح مفاهیم
- گام سوم کدگذاری الگویی
- گام چهارم تلخیص نظری

در گام اول فرآیند خرد کردن، مقایسه، نام‌گذاری، مفهوم‌پردازی و مقوله‌بندی داده‌ها انجام گرفت، برای این امر متن هر مصاحبه به دقت مطالعه، و داده‌های جمع‌آوری شده از مصاحبه‌شوندگان کدگذاری، مفهوم‌پردازی و مقوله‌بندی گردید. با بررسی دقیق مبانی نظری و جملات مصاحبه‌ها،

^۱ Goldkuhl & Cronholm

تفاوت‌ها و شباهت‌های داده‌ها بررسی و داده‌هایی که بار معنایی یکسانی داشتند با مفاهیم مشترکی کدگذاری گردیدند. نمونه‌هایی از مفاهیم اولیه و مقوله‌هایی که به آنها اختصاص داده شده است در جدول ۲ ارائه شده است. در این پژوهش از مصاحبه‌ها و مبانی نظری در مجموع ۲۵۱ کد مفهومی استخراج گردید. نمونه‌ای از این کدگذاری‌ها به شرح زیر است:

« بدون رسیدگی به تراکنش‌های بانکی، در حق مؤدیان تمکین‌کننده اجحاف می‌شود {عدم وجود نگاه یکپارچه به مؤدیان}، برخی افراد فعالیت تجاری دارند اما سازمان اطلاعاتی از آنها ندارد، با حسابرسی تراکنش‌های بانکی، اینگونه افراد شناسایی و به عنوان مؤدی برای آنها پرونده مالیاتی ایجاد می‌شود {شناسایی مؤدیان گمنام}، با حسابرسی تراکنش‌های بانکی حداقل درآمد مؤدی مشخص می‌گردد و حساب‌رسان هم نمی‌تواند مثل قبل با مؤدی تباری کنند چرا که حداقل درآمد مؤدی با دسترسی به تراکنش‌های بانکی مؤدی مشخص است {کاهش فساد اداری و کاهش سلیقه‌های شخصی مأموران مالیاتی}. وقتی یک مؤدی تراکنش‌های بانکی خود را می‌بیند و هیچ مدرکی مبنی بر غیردرآمدی بودن آن نمی‌تواند ارائه نماید چاره‌ای جز پذیرش مالیات تشخیصی مأموران مالیاتی ندارد و اعتراض هم روی برگ تشخیص نمی‌گذارد چون می‌داند نمی‌تواند کاری از پیش ببرد {کاهش اعتراضات مؤدیان}. با حسابرسی تراکنش‌های بانکی مبدا و مقصد وجوه واریزی مشخص می‌گردد و خیلی مؤدیان که فرار مالیاتی دارند شناسایی می‌شوند همچنین حین حسابرسی تراکنش‌های بانکی، حساب‌رسان مالیاتی با مبالغی مواجه می‌شوند که از مصادیق پولشویی و جرایم مالی و مالیاتی است که با حسابرسی تراکنش‌های بانکی اینگونه فعالیت‌های مجرمانه کشف می‌شود {کشف منابع مالی با منشأ جرم}. »

با مقایسه شباهت‌ها و تفاوت‌های ناشی از مقایسه مفاهیم، مقوله‌ها تشکیل گردیدند به عنوان مثال با مقایسه مفاهیمی مانند «حجم بالای اعتراضات مؤدیان»، «اخذ مالیات مضاعف»، «عدم وجود نگاه یکپارچه به مؤدیان مالیاتی»، «نظام مالیاتی غیرشفاف» که در متون نظری و مصاحبه‌ها با آنها اشاره شده است مشخص گردید که همه این مفاهیم به مفهوم کلی‌تری نسبت به مفاهیم قبلی با نام «نارضایتی مؤدی و سازمان» اشاره دارند.

جدول ۲. نمونه مقوله و مفاهیم

مفاهیم	مقوله	نوع مقوله
اخذ مالیات مضاعف عدم وجود نگاه یکپارچه به مؤدیان مالیاتی حجم بالای اعتراضات مؤدیان نظام مالیاتی غیرشفاف الکترونیکی شدن خدمات	نارضایتی مؤدی و سازمان	شرایط علی
شبکه یکپارچه ردیابی وثبت معاملات قابلیت نرم افزارهای مالی و بانکی دسترسی به تراکنش دستگاههای کارتخوان وجود شبکه اطلاعات حذف تراکنشهای غیردرآمدی اضافه نمودن درآمدهای غیرنقدی تراکنشهای درآمدی ماهیت متفاوت تراکنشها	بسترهای فن آوری و نرم افزاری	شرایط زمینه ای
قابلیت تراکنشها در تفکیک تراکنشها وجوه انتقالی بین حسابهای بانکی مؤدی قرض و تسهیلات بانکی دریافتی وجوه دریافتی ناشی از جبران خسارت انتقال بین حسابهای شرکا در مشاغل مشارکتی استفاده از حسابهای ارزی و معاملات برون مرزی پشت نویسی چکها فروشهای تهاتری استفاده از کیف پول پرداخت از طریق صرافیها	تفکیک و ثبت تراکنشها به لحاظ ماهوی	راهبرد
	تراکنشهای غیردرآمدی	مداخله گر
	افزایش اقدامات فرصت طلبانه	پیامد

منبع: یافته‌های محقق

گام دوم اصلاح مفاهیم است، اصلاح مفاهیم به معنای تلاش مستمر در راستای شفاف‌سازی مفاهیم استفاده شده است. اصلاح مفاهیم از طریق طرح سؤال‌های مختلف با در نظر گرفتن مقوله‌ها انجام می‌شود (فروودی و حجازی، ۱۳۹۹). بنابراین به منظور اصلاح مفاهیم از جدول راهنمای ارتباط شرطی اسکات و هاوول ۲۰۰۸ استفاده گردید که نتایج آن در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. پالایش مفهومی مقوله‌های اصلی پژوهش

مقوله اصلی	چه چیزی	چه موقع	چرا	چطور	پیامد
وجود فعالیت‌های مجرمانه	فعالیت‌های مجرمانه را با حسابرسی تراکنش‌های بانکی چگونه ارزیابی می‌کنید؟	هنگام تشخیص مالیات مؤدیان	جهت جلوگیری از فعالیت‌های مجرمانه	با پولشویی و فرار مالیاتی	کشف فعالیت‌های مجرمانه و جلوگیری از فرار مالیاتی
بسترهای فن آوری و نرم افزاری	بسترهای فن آوری و نرم افزاری را در کاهش اختلافات مالیاتی چگونه ارزیابی می‌کنید؟	هنگام رسیدگی به پرونده مؤدیان	جهت استفاده از روش‌های جدید حسابرسی	با استفاده از فن‌آوری‌ها و نرم‌افزارهای جدید	تشخیص صحیح مالیات، و کاهش زمان حسابرسی
رازداری بانکی	رازداری بانکی را با حسابرسی تراکنش‌های بانکی چگونه ارزیابی می‌کنید؟	هنگام اجرای حسابرسی	محدودیت دسترسی به اطلاعات	تکلیف به ارائه اطلاعات با قانون‌گذاری و اعمال جرایم	افزایش درآمدهای مالیاتی
درآمدهای غیرنقد و تراکنش‌های غیردرآمدی	درآمدهای غیرنقد و تراکنش‌های غیردرآمدی را با حسابرسی تراکنش‌ها چگونه ارزیابی می‌کنید؟	هنگام اجرای حسابرسی	دستیابی به درآمد واقعی مؤدی	تحلیل مطالبات اول و آخر دوره و حذف موارد غیردرآمدی	ساده‌سازی و شفاف‌سازی تشخیص مایات
افزایش درآمدهای مالیاتی	حسابرسی تراکنش‌های بانکی چگونه باعث افزایش درآمدهای مالیاتی می‌گردد؟	هنگام حسابرسی تراکنش‌های بانکی	شناسایی مؤدیان گمنام و کشف درآمدهای کتمان شده	با حسابرسی تراکنش‌های بانکی	شناسایی مؤدیان گمنام و افزایش درآمدهای مالیاتی
آموزش و فرهنگسازی	آموزش و فرهنگسازی را در کاهش اختلافات مالیاتی چگونه ارزیابی می‌کنید؟	هنگام رسیدگی به پرونده مؤدیان	تشویق خوداظهاری	با آموزش و اطلاع‌رسانی و شفاف‌سازی	افزایش خوداظهاری و کاهش فعالیت‌های مجرمانه

منبع: یافته‌های محقق

گام سوم کدگذاری الگویی است، در این مرحله مقوله‌های اصلی که در مرحله کدگذاری باز ایجاد

شده اند با یکدیگر مرتبط می‌شوند و ارتباط درونی بین مقوله‌های اصلی برقرار می‌گردد. در این نوع کدگذاری از مدل پارادایم چندوجهی استراوس و کوربین (۱۹۹۰) استفاده شده است. برای این منظور، یک مقوله مرحله کدگذاری باز انتخاب و در مرکز فرآیندی که در حال بررسی است به عنوان «پدیده مرکزی» قرار می‌گیرد و سایر مقوله‌ها شامل «شرایط علی»، «راهبردها»، «شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر» و «پیامدها» به آن ربط داده می‌شود، نتایج کدگذاری الگویی در جدول ۴ ارائه شده است.

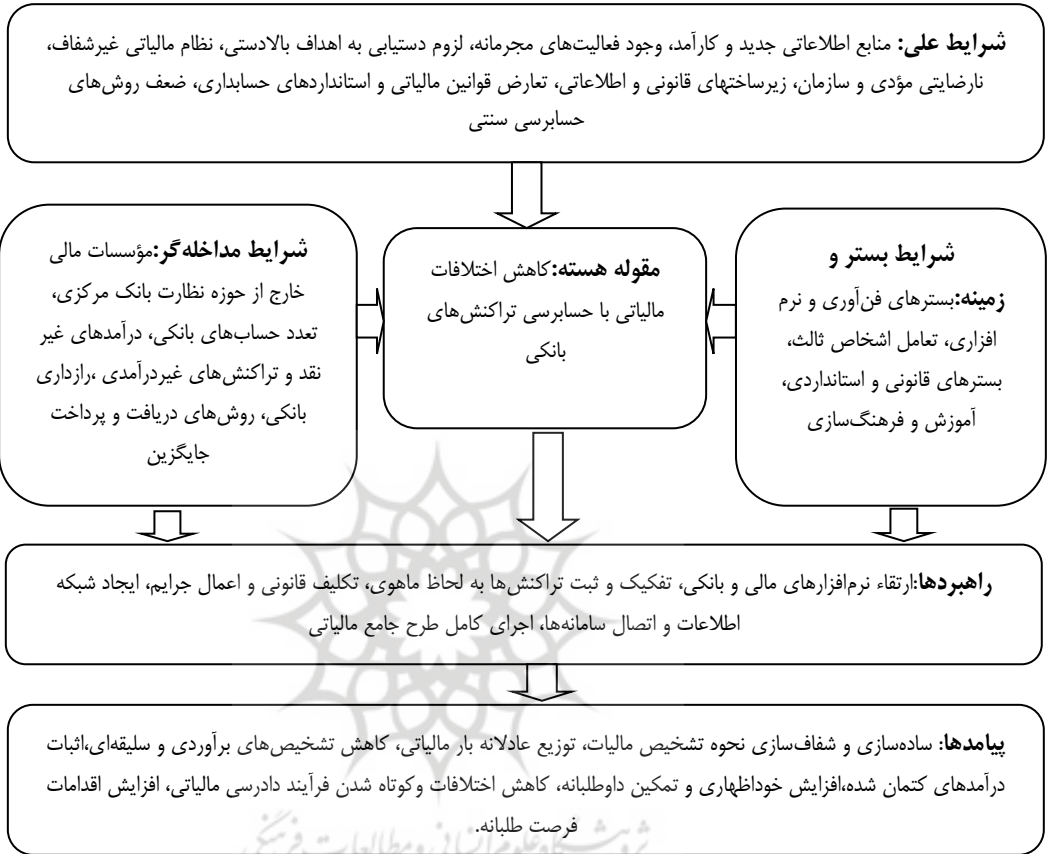
جدول ۴. کدگذاری الگویی (محوری)

نوع مقوله	مقوله اصلی
شرایط علی	منابع اطلاعاتی جدید و کارآمد، وجود فعالیت‌های مجرمانه، لزوم دستیابی به اهداف بالادستی، نظام مالیاتی غیرشفاف، نارضایتی مؤسسه‌ها و زیرساخت‌های قانونی و اطلاعاتی، تعارض قوانین مالیاتی و استانداردهای حسابداری، ضعف روش‌های حسابرسی سنتی.
عوامل مداخله‌گر	مؤسسات مالی خارج از حوزه نظارت بانک مرکزی، تعدد حساب‌های بانکی، درآمدهای غیر نقد و تراکنش‌های غیردرآمدی، رازداری بانکی، روش‌های دریافت و پرداخت جایگزین
شرایط زمینه‌ای	بسترهای فن‌آوری و نرم‌افزاری، تعامل اشخاص ثالث، بسترهای قانونی و استانداردی، آموزش و فرهنگسازی
راهبردها	ارتقاء نرم افزارهای مالی و بانکی، تفکیک و ثبت تراکنش‌ها به لحاظ ماهوی، تکلیف قانونی و اعمال جرایم، ایجاد شبکه اطلاعات و اتصال سامانه‌ها، اجرای کامل طرح جامع مالیاتی.
پیامدها	ساده‌سازی و شفاف‌سازی نحوه تشخیص مالیات، توزیع عادلانه بار مالیاتی، کاهش تشخیص‌های برآوردی و سلیقه‌ای، اثبات درآمدهای کتمان شده، افزایش خوداظهاری و تمکین داوطلبانه، کاهش اختلافات و کوتاه شدن فرآیند دادرسی مالیاتی، افزایش اقدامات فرصت طلبانه.

منبع: یافته‌های محقق

گام چهارم در خلق نظریه، تلخیص نظری است. در این گام مقوله اصلی مشخص و ارتباط آن با سایر مقوله‌ها مشخص می‌گردد، استراوس و کوربین (۱۹۹۸)، کدگذاری انتخابی را فرآیند یکپارچه‌سازی و بهبود مقوله‌ها می‌دانند، در این مرحله از کدگذاری، نظریه پرداز داده‌بنیاد، یک نظریه از روابط فی‌مابین مقوله‌های موجود در مدل کدگذاری محوری به نگارش در می‌آورد، بنابراین در این مرحله داده‌های خام حاصل از مصاحبه‌های پژوهش پس از کدگذاری و دسته‌بندی در قالب مفاهیم و مقوله‌ها، به استخراج یک مقوله اصلی یا پدیده اصلی پژوهش یعنی کاهش اختلافات مالیاتی با حسابرسی مالیاتی تراکنش‌های بانکی منتهی شد. این فرآیند در نظریه داده‌بنیاد به عنوان الگوی پارادایمی شناخته می‌شود، الگوی پارادایمی کاهش اختلافات مالیاتی با حسابرسی مالیاتی

تراکنش‌های بانکی مؤدیان به شرح شکل ۲ ارائه گردیده است.



شکل ۲. مدل مفهومی کاهش اختلافات مالیاتی با حسابرسی مالیاتی تراکنش‌های بانکی مؤدیان

منبع: یافته‌های محقق

۵-۳- شفاف‌سازی مبتنی بر داده‌ها: شفاف‌سازی مبتنی بر داده‌ها شامل تطابق نظری، تایید اعتبار داده‌های تجربی و ارزیابی انسجام نظری است (گلدکهل و کرونهلیم، ۲۰۱۰). با توجه به اینکه کدها با حداقل تغییرات و به صورت *in vivo* و منطبق با نتایج استقرایی پژوهش هستند اعتبار داده‌های تجربی تایید می‌گردد. در خصوص تطابق نظری، همانطور که در جدول ۵ ارائه گردیده است مدل نهایی پژوهش با متون نظری مرتبط مقایسه گردید و گزاره‌های مدل با داده‌های تجربی



و با ادبیات پژوهش سازگاری دارد، بنابراین از انسجام نظری برخوردار است.
جدول ۵. شفاف‌سازی مبتنی بر داده‌ها

نوع مقوله	مقوله	تحقیق حاضر	فرخیان و چاله چاله (۱۳۹۸)	عبداللهی (۱۳۹۹)	سلطان‌العلمایی و روابخش	حاج محمدی (۱۳۸۸)	مهر کام و حصنی مقدم (۱۳۹۹)	میر محمدی و جنتی (۱۳۹۶)	عسگری (۱۳۹۲)	آریا و دلخواه (۱۳۹۷)	طالب نیا و موثق (۱۳۹۰)	امیدوار و همکاران (۱۴۰۰)
شرایط علمی	منابع اطلاعاتی جدید و کارآمد	●		●				●		●		
	وجود فعالیت‌های مجرمانه	●	●	●		●			●			
	لزوم دستیابی به اهداف بالادستی	●							●			
	نظام مالیاتی غیرشفاف	●		●					●		●	
	نارضایتی مؤدی و سازمان	●					●		●		●	
	زیرساختهای قانونی و اطلاعاتی	●	●	●								
	تعارض قوانین مالیاتی و استانداردهای حسابداری	●	●	●					●		●	
شرایط مداخله گر	ضعف روش‌های حسابرسی سنتی	●						●	●			
	مؤسسات مالی خارج از حوزه نظارت بانک مرکزی	●			●							
	تعدد حساب‌های بانکی	●				●						
	درآمدهای غیر نقد و تراکنش‌های غیردرآمدی	●			●							
	رازداری بانکی	●		●								
شرایط بستر	روش‌های دریافت و پرداخت جایگزین	●			●							
	بسترهای فن‌آوری و نرم‌افزاری	●				●		●				
	تعامل اشخاص ثالث	●							●	●		



نوع مقوله	مقوله	تحقیق حاضر	فرخیان و چاله چاله (۱۳۹۸)	عبداللهی (۱۳۹۹)	سلطان العلمایی و روانبخش (۱۳۸۸)	حاج محمدی (۱۳۸۸)	مهر کام و حصنی مقدم (۱۳۹۹)	میر محمدی و جنتی (۱۳۹۶)	عسکری (۱۳۹۲)	آریا و دلخواه (۱۳۹۷)	طالب نیا و موثق (۱۳۹۰)	امیدوار و همکاران (۱۴۰۰)
	بسترهای قانونی و استناداری	●		●		●			●			
	آموزش و فرهنگ‌سازی	●							●			
راهِبردها	اجرای کامل طرح جامع مالیاتی	●						●	●	●		●
	تفکیک و ثبت تراکنش‌ها به لحاظ ماهوی	●		●	●							
	ارتقاء نرم افزارهای مالی و بانکی	●					●			●		
	تکلیف قانونی و اعمال جرایم	●				●						
	ایجاد شبکه اطلاعات و اتصال سامانه‌ها	●				●		●		●		
	کاهش تشخیص‌های برآوردی و سلیقه‌ای	●										
پیامدها	کاهش اختلافات مالیاتی و کوتاه شدن فرآیند دادرسی	●										
	افزایش اقدامات فرصت‌طلبانه	●	●									●
	اثبات درآمدهای کتمان شده	●			●		●					
	ساده‌سازی و شفاف‌سازی نحوه تشخیص مالیات	●					●	●				
	توزیع عادلانه بار مالیاتی	●										●

هر زمان دیگری میسر نموده است.

۶-۱-۷- تعارض قوانین مالیاتی و استانداردهای حسابداری: یکی از دلایل اصلی وجود اختلاف بین سود ابرازی و سود مشمول مالیات شرکت‌ها و مشاغل و بروز اختلافات مالیاتی، تعارض میان قوانین مالیاتی و استانداردهای حسابداری است.

۶-۱-۸- ضعف روش‌های حسابرسی سنتی: استفاده از ابزارها و روش‌های پیش‌بینی سنتی خطای بالایی دارد و به عملکرد ضعیف‌تری می‌انجامد (فلاحپور و همکاران، ۱۳۹۲)، و تشخیص درآمد واقعی مؤدیان فاقد رفتارهای تمکینی و فعالان اقتصادی فاقد پرونده مالیاتی را محدود می‌نماید. مؤلفه‌های مربوط به شرایط علی همچون نارضایتی مؤدی و سازمان، ضعف روش‌های حسابرسی سنتی، تعارض قوانین مالیاتی و استانداردهای حسابداری، نظام مالیاتی غیرشفاف، وجود فعالیت‌های مجرمانه در پژوهش‌هایی همچون (ارتا و همکاران (۱۴۰۱)، برزگری دهج و همکاران (۲۰۲۱)، گارنات و همکاران (۲۰۲۰)، پاکدامن و همکاران (۱۴۰۱)، حاج محمدی (۱۳۸۸)، مهرکام و حصنی مقدم (۱۴۰۰) و موسوی و ابراهیمی کرهرودی (۱۳۹۷) نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

۶-۲- عوامل مداخله‌گر

عوامل مداخله‌گر، شرایط ساختاری هستند که به پدیده‌ای تعلق دارند و بر راهبردهای کنش و واکنش اثر می‌گذارند. آنها راهبردها را در زمینه خاصی سهولت می‌بخشند یا آنها را محدود و مقید می‌سازند (استراوس و کوربین، ۱۹۹۰). عوامل مداخله‌گری که حسابرسی مالیاتی تراکنش‌های بانکی را محدود می‌نماید در جدول شماره ۷ ارائه گردیده است.

جدول ۷. مقوله‌های مربوط به شرایط مداخله‌گر

نوع مقوله	مقوله‌های اصلی
عوامل مداخله‌گر	مؤسسات مالی خارج از حوزه نظارت بانک مرکزی، تعدد حساب‌های بانکی، درآمدهای غیر نقد و تراکنش‌های غیردرآمدی، رازداری بانکی، روش‌های دریافت و پرداخت جایگزین

منبع: یافته‌های محقق

۶-۲-۱- مؤسسات مالی خارج از حوزه نظارت بانک مرکزی: بانک‌ها و مؤسسات مالی همواره در گردش اقتصاد و سیاست پولی و مالی نقش اساسی دارند، عدم نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات مالی می‌تواند حسابرسی مالیاتی شرکت‌ها و مشاغل بر اساس تراکنش‌های بانکی را با محدودیت مواجه نماید. همانطور که در تحقیق کریمی فرد (۱۳۹۹)، نیز از فقدان سازوکارهای مشخص و روشن

نظارت و عدم نظارت قاطعانه به عنوان یکی از مهمترین چالشهای بانک مرکزی برای نظارت بر مؤسسات بانکی غیردولتی اشاره شده است.

۶-۲-۲ تعدد حسابهای بانکی: بر اساس آمارهای بانک مرکزی نسبت تعداد حسابهای

بانکی به ۱۰۰۰ نفر جمعیت بالغ در ایران، بالای ۸۰۰۰ حساب است. حسابرسی همه این حسابها از طریق سازمان با وجود محدودیت‌هایی نظیر کمبود منابع انسانی کاری سخت و طاقت‌فرساست.

۶-۲-۳ درآمدهای غیرنقد و واریزیهای غیردرآمدی: یکی از عوامل مداخله‌گری که

حسابرسی مالیاتی تراکنش‌های بانکی مؤدیان را با محدودیت‌هایی مواجه می‌نماید، درآمدهای غیرنقد و واریزیهای غیردرآمدی است. درآمدهای غیرنقد در حسابهای بانکی مؤدی انعکاس نمی‌یابد در حالی که درآمدی است و واریزیهای غیردرآمدی در حسابهای بانکی منعکس می‌شود در حالی که غیردرآمدی است. درآمدهای غیرنقد و واریزیهای غیردرآمدی یکی از نوآوری‌های این پژوهش بوده که در پژوهش‌های پیشین مورد بررسی قرار نگرفته است.

۶-۲-۴ رازداری بانکی: رازداری بانکی شرط اصلی سیستم بانکداری است. اگر مشتریان از

محرمانه بودن روابط خود با بانک‌ها مطمئن نباشند، از سپردن پول و امور مالی خود به آنها امتناع می‌کنند، بنابراین همان‌طور که در تحقیق حاج محمدی (۱۳۸۸)، مورد تأکید قرار گرفته است، رازداری بانکی می‌تواند توانایی حساب‌برسان مالیاتی برای تعیین و وصول مبالغ صحیح مالیاتی را تقلیل دهد.

۶-۲-۵ روش‌های دریافت و پرداخت جایگزین: طبق نظرات مصاحبه‌شوندگان، با بررسی

حسابهای بانکی مؤدیان، احتمالاً مؤدیان به سراغ روش‌های دریافت و پرداخت جایگزین می‌روند تا حتی‌المقدور از ورود وجه نقد به حسابهای بانکی خود جلوگیری نمایند در همین راستا ممکن است از ابزاری نظیر دریافت وجه نقد، تهاتر حساب، استفاده از حسابهای ارزی، پشت‌نویسی و انتقال چک‌های دریافتی و ... استفاده نمایند و از این طریق اقدام به اختفای درآمد خود نمایند.

۶-۳ راهبردها

پس از بررسی شرایط علی مؤثر بر مقوله اصلی، توجه به راهبردها و کنش و واکنش‌های حسابرسی مالیاتی تراکنش‌های بانکی مؤدیان برای کاهش اختلافات مالیاتی امری ضروری است، راهبردها در جدول شماره ۸ ارائه شده است.

جدول ۸. مقوله‌های مربوط به راهبردها

مقوله‌های اصلی	نوع مقوله
ارتقاء نرم افزارهای مالی و بانکی، تفکیک و ثبت تراکنش‌ها به لحاظ ماهوی، تکلیف قانونی و اعمال جرایم، ایجاد شبکه اطلاعات و اتصال سامانه‌ها، اجرای کامل طرح جامع مالیاتی.	راهبردها

منبع: یافته‌های محقق

۶-۳-۱- ارتقاء نرم افزارهای مالی و بانکی: از آنجا که بخش عمده اطلاعات مورد نیاز حساب‌برسان مالیاتی بر اساس اطلاعات حاصل از سیستم‌های حسابداری و بانکی و تحلیل و تفسیر آنها اتخاذ می‌گردد، ارتقاء نرم افزارهای مالی و بانکی و تفکیک تراکنش‌ها به لحاظ ماهوی امری ضروری است.

۶-۳-۲- تفکیک و ثبت تراکنش‌ها به لحاظ ماهوی: تراکنش‌های بانکی دارای ماهیت درآمدی و غیردرآمدی هستند، امکان تفکیک تراکنش‌ها به لحاظ ماهوی با توجه به قابلیت‌های موجود در نرم افزارهای مالی و بانکی مورد استفاده شرکت‌ها، مشاغل و بانک‌ها، وجود دارد.

۶-۳-۳- تکلیف قانونی و اعمال جرایم: بانک مرکزی هر سال تکالیف بودجه‌ای نظام بانکی را طی بخشنامه‌ای به بانک‌ها و مؤسسات اعتباری ابلاغ می‌کند، طی سالهای اخیر بانک مرکزی بانک‌ها را مکلف نموده که با سازمان امور مالیاتی در راستای اجرای ماده ۱۶۹ قانون مالیاتهای مستقیم و ارسال فهرست حساب‌های بانکی و اطلاعات تراکنش‌های بانکی مؤدیان همکاری نمایند و در صورت عدم همکاری، علاوه بر جرائم پیش‌بینی شده در قانون، باید معادل ۲ درصد از حجم سپرده‌های اشخاص نزد بانک یا مؤسسه اعتباری، جریمه بپردازند ولی هنوز به صورت کامل اجرایی نگردیده است.

۶-۳-۴- ایجاد شبکه اطلاعات و اتصال سامانه‌ها: در حال حاضر بسترهای نرم‌افزاری و سخت‌افزاری جهت ایجاد مسیر ارتباطی سرورها و سرویس‌های تحت شبکه و اشتراک منابع در سازمانهای مختلف فراهم شده است، علی‌رغم بستر ایجاد شده، سازمان امور مالیاتی به پایگاه داده بانک‌ها متصل نیست و برخی قوانین اجرایی نشده‌اند، با اتصال سامانه‌های مالیاتی به پایگاه داده بانک‌ها و با ایجاد سامانه‌های دولتی با کیفیت سرویس مؤثر، با ضریب تأثیر بالاتری می‌توان از تراکنش‌های بانکی در جهت تشخیص صحیح درآمد مؤدیان استفاده نمود.

۶-۳-۵- اجرای کامل طرح جامع مالیاتی: همسو با قانون‌گذاری‌های انجام شده در غالب قانون

مالیاتی‌های مستقیم، قانون مالیات بر ارزش افزوده و تکالیف بودجه‌ای بانک مرکزی، اجرای کامل طرح جامع مالیاتی، پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مؤدیان و تفکیک حساب‌های تجاری و غیرتجاری که در راستای ردگیری جریان اطلاعات فعالان اقتصادی، شناسایی مؤدیان گمنام و جلوگیری از فرار مالیاتی است، کمک شایانی به تسهیل حسابرسی مالیاتی بر اساس تراکنش‌های بانکی می‌نماید.

۴-۶- شرایط بستر

شرایط بستر بیانگر شرایطی است که در آن راهبردهای کنش و واکنش انجام می‌شود، به عبارت دیگر شرایط بستر همان محل وقوع حوادث مربوط به پدیده است (مشایخی و همکاران، ۱۳۹۲). مقوله‌های مربوط به شرایط بستر در جدول شماره ۹ ارائه گردیده است.

جدول ۹. مقوله‌های مربوط به شرایط بستر

نوع مقوله	مقوله‌های اصلی
شرایط بستر	بسترهای فن‌آوری و نرم‌افزاری، تعامل اشخاص ثالث، بسترهای قانونی و استانداردی، آموزش و فرهنگ‌سازی

منبع: یافته‌های محقق

۴-۶-۱- بسترهای فن‌آوری و نرم‌افزاری: علی‌رغم تلاش‌های صورت گرفته در جهت توسعه نظام مالیاتی طی سال‌های اخیر، نظام مالیاتی کشور هنوز با چالش‌های زیادی از جمله ضعف در زیرساخت‌های فناوری اطلاعات مالیاتی مواجه است. طرح جامع مالیاتی به عنوان عظیم‌ترین پروژه فناوری اطلاعات در حوزه اقتصادی کشور هنوز به صورت کامل راه‌اندازی نگردیده است. نیاز به استفاده از بسترهای فن‌آوری و نرم‌افزاری در تحقیقات نوذری و شهابی (۱۳۹۶)، و نظری و فدایی (۱۳۹۲)، نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

۴-۶-۲- تعامل اشخاص ثالث: یکی از مهمترین کانال‌های دریافت اطلاعات برای انجام یک حسابرسی بهینه مالیاتی، اطلاعاتی است که اشخاص ثالث نظیر بانک‌ها، دستگاه‌های دولتی و طرفه‌ای معامله، مکلف به ارائه آن هستند، با همکاری کلیه دستگاه‌هایی که اطلاعات فعالیت‌های مالی مؤدیان را در اختیار قرار دارند، فرآیند حسابرسی بر اساس تراکنش‌های بانکی تسهیل می‌گردد.

۴-۶-۳- بسترهای قانونی و استانداردی: حسابرسی مالیاتی تراکنش‌های بانکی در بستر زیرساخت‌های قانونی انجام می‌گیرد، عبداللهی (۱۳۹۹) بیان می‌دارد سازمان امور مالیاتی قانوناً هم

اجازه دسترسی به تراکنش‌های بانکی و هم اجازه تشخیص مالیات بر اساس تراکنش‌های بانکی مؤدی را دارد. بنابراین مبانی حقوقی حسابرسی تراکنش‌های بانکی شرکت‌ها و مشاغل فراهم گردیده و نیاز به استفاده حداکثری از زیر ساخت فراهم شده است.

۶-۴-۴- آموزش و فرهنگ‌سازی: یکی از نکات مورد تأکید عموم متخصصین علم مالیه عمومی و مدیران مالیاتی، رشد و توسعه فرهنگ مالیاتی در جامعه است، بنابراین آموزش مأموران و مؤدیان مالیاتی و ارتقاء فرهنگ عمومی برای پذیرش حسابرسی مالیاتی بر اساس تراکنش‌های بانکی می‌تواند بستر مناسب جهت این شیوه رسیدگی را فراهم آورد.

۶-۵ پیامدها

پیامدها نتایج حاصل از به‌کارگیری راهبردها هستند. در جدول شماره ۱۰ مقوله‌های اصلی مربوط به پیامدها ارائه گردیده است.

جدول ۱۰. مقوله‌های اصلی مربوط به پیامدها

نوع مقوله	مقوله‌های اصلی
پیامدها	ساده‌سازی و شفاف‌سازی نحوه تشخیص مالیات، توزیع عادلانه بار مالیاتی، کاهش تشخیص‌های برآوردی و سلیقه‌ای، اثبات درآمدهای کتمان شده، افزایش خوداظهاری و تمکین داوطلبانه، کاهش اختلافات و کوتاه شدن فرآیند دادرسی مالیاتی، افزایش اقدامات فرصت طلبانه.

منبع: یافته‌های محقق

۶-۵-۱- ساده‌سازی و شفاف‌سازی نحوه تشخیص مالیات: بر اساس نظر مصاحبه‌شوندگان، و همسو با نتایج تحقیقات ساتیا (۲۰۱۹) و سوشما و سریواستاوا (۲۰۱۴)، تراکنش‌های بانکی موجبات استفاده حساب‌رسان از یک روش ساده و شفاف که مشکلات اجرایی آن کمتر از روش‌های سنتی است را فراهم می‌آورد.

۶-۵-۲- توزیع عادلانه بار مالیاتی: با حسابرسی تراکنش‌های بانکی، شرکت‌ها و مشاغل متناسب با میزان درآمد کسب شده مالیات پرداخت می‌نمایند، عدم حسابرسی تراکنش‌های بانکی باعث می‌گردد عده‌ای از فعالان اقتصادی مالیاتی پرداخت نکنند و برخی دیگر از مؤدیان نیز با کتمان درآمد واقعی مالیات کمتری پرداخت نمایند که این امر باعث رواج بی‌عدالتی‌های مالیاتی در بین مؤدیان تمکین‌کننده و مؤدیان فاقد رفتارهای تمکینی می‌شود. توزیع عادلانه بار مالیاتی به عنوان یکی از پیامدهای ناشی از حسابرسی مالیاتی تراکنش‌های بانکی، در تحقیق گارنات و همکاران (۲۰۲۰)، نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

۳-۵-۶- کاهش تشخیص‌های برآوردی و سلیقه‌ای: با کسر موارد غیردرآمدی و افزودن درآمدهای غیرنقدی به تراکنش‌های بانکی مؤدیان همچنین با تحلیل مطالبات ابتدا و انتهای سال مالیاتی، حداقل درآمد مؤدی مشخص می‌گردد، بنابراین از چانه‌زنی بین مؤدی و حسابرس مالیاتی و تشخیص‌های برآوردی و سلیقه‌ای توسط حسابرسان مالیاتی جلوگیری می‌شود، مؤدیان نیز با علم به عدم امکان انکار درآمدهای تشخیص شده و عدم توفیق در مراحل مختلف دادرسی مالیاتی از طرح اعتراض خودداری نموده و در صورت طرح اعتراض از اطاله دادرسی جلوگیری می‌گردد.

۴-۵-۶- اثبات درآمدهای کتمان شده: با توجه به اینکه در شرایط کنونی بخش عمده‌ای از وجوه حاصل از فروش کالا و ارائه خدمات شرکت‌ها و مشاغل به حساب‌های بانکی آنها واریز می‌گردد، امکان ردگیری فعالیت‌های درآمدی و کشف درآمدهای کتمان شده شرکت‌ها و مشاغل با رسیدگی به حساب‌های بانکی مؤدیان امکان‌پذیر است.

۵-۵-۶- افزایش خوداظهاری و تمکین داوطلبانه: با بررسی تراکنش‌ها، مؤدیان قبل از رسیدگی تا حدود زیادی از میزان درآمد تشخیصی توسط حسابرسان مالیاتی آگاهی پیدا می‌نمایند، با وجود جریمه‌های غیرقابل‌بخشش از قبیل جریمه کتمان، مؤدیان به سمت تمکین داوطلبانه و خوداظهاری سوق می‌یابند.

۶-۵-۶- کاهش اختلافات و کوتاه شدن فرآیند دادرسی مالیاتی: طبق نظر مصاحبه‌شوندگان و همسو با نتایج تحقیقات (گارنات و همکاران (۲۰۲۰)، پاکدامن و همکاران (۱۴۰۱)، ساتیا (۲۰۱۹) و حاج محمدی (۱۳۸۸))، حسابرسی تراکنش‌های بانکی مؤدیان به عنوان یک منبع غنی اطلاعاتی، ضعف منابع اطلاعاتی و خلأهای موجود در روش‌های حسابرسی سنتی را از بین می‌برد، از تشخیص‌های برآوردی و سلیقه‌ای مأموران مالیاتی جلوگیری می‌نماید، و با شفافیت ایجاد شده به واسطه استفاده از تراکنش‌های بانکی، مالیات مؤدیان به صورت عادلانه تشخیص و مطالبه می‌گردد، شرکت‌ها و مشاغل نیز با علم به عدم توفیق در مراحل مختلف دادرسی مالیاتی از طرح اعتراض و اطاله مراحل دادرسی اجتناب می‌نمایند.

۷-۵-۶- افزایش اقدامات فرصت‌طلبانه: طبق نظر مصاحبه‌شوندگان تنها پیامد منفی ناشی از حسابرسی مالیاتی تراکنش‌های بانکی، استفاده مؤدیان از اقدامات فرصت‌طلبانه است، یعنی ممکن است مؤدیان معاملات خود را به شکلی برنامه‌ریزی نمایند که وجه نقد به حساب‌های بانکی آنها واریز نگردد، در همین راستا با استفاده از ابزارهایی مانند پشت‌نویسی چک‌ها، تهاتر حساب، تقاضای وجه نقد از مشتری، استفاده از حساب‌های ارزی و انتقال معاملات به خارج از مرزها، پرداخت از

طریق صرافی‌ها و استفاده از کیف پول مانع از گردش وجه نقد در حساب‌های بانکی خود گردند. با حسابرسی تراکنش‌های بانکی مؤدیان امکان کشف این موارد نیست اما با استفاده از راهکارهایی نظیر بررسی مطالبات و بدهی‌های ابتدا و انتهای سال، بهره‌گیری از سامانه مؤدیان و معاملات فصلی و محدود نمودن پول کاعذی تا حدود زیادی می‌توان از اقدامات فرصت‌طلبانه مؤدیان جلوگیری و یا آنها را کشف نمود.

۷- ارزیابی پژوهش

در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، اعتبارسنجی، بخشی فعال از فرآیند پژوهش است (کرسول^۱، ۲۰۰۵). در این تحقیق علاوه بر ارزیابی پژوهش در مرحله شفاف‌سازی داده‌ها که در قسمت پیشین ارائه گردید، برای اعتباربخشی به مدل و نتایج پژوهش از زاویه‌بندی یا مثلث‌سازی «اجماع داده‌ها»، «کنترل اعضا» و «معیار مقبولیت» (استراوس و کوربین، ۲۰۰۸) استفاده شده است. اجماع داده‌ها یعنی استفاده از منابع چندگانه داده‌ها مانند گردآوری داده‌ها از گروه‌ها، محیط‌ها و زمان‌های مختلف. در این پژوهش نمونه‌ها از میان گروه‌های مختلف همچون اشخاص حرفه‌ای (همانند رؤسای گروه و رؤسای امور مالیاتی)، اساتید دانشگاهی متخصص در حوزه مالیات‌ها و حسابداران رسمی با شرایط سنی و مدارک دانشگاهی متفاوت انتخاب شده‌اند و اجماع داده‌ها محقق گردیده است. کنترل اعضا به این مفهوم است که پژوهش‌گر نتایج را به اعضا برای اعتبارسنجی مصاحبه‌شوندگان برگرداند، به منظور بررسی کنترل اعضا، متغیرهای استخراج شده از مصاحبه‌ها و نتایج حاصل به ۶ نفر از صاحب‌نظران حرفه (۳ نفر از مصاحبه‌شوندگان و ۳ نفر از سایر صاحب‌نظرانی که در مصاحبه شرکت نداشته‌اند)، ارائه و مورد پالایش قرار گرفت. نتایج حاصل، مدل پژوهش را تایید کرد. مقبولیت به این معنا است که یافته‌های تحقیق تا چه حد در انعکاس تجارب مشارکت‌کنندگان در رابطه با پدیده مورد مطالعه برای محقق و خواننده موثق و قابل‌باور است. برای این منظور ده شاخص معرفی شده است که شامل تناسب، کاربردی بودن یافته‌ها، زمینه، مفاهیم، منطق، عمق، انحراف، بداعت، حساسیت و استناد به یادداشته‌ها است. مقبولیت این پژوهش با معیارهای مذکور ارزیابی و تایید گردید.

۸- بحث و نتیجه‌گیری

کاهش اختلافات مالیاتی به دلیل اهمیت آن در افزایش رضایت مؤدیان، کاهش هزینه‌های وصول مالیات و افزایش درآمدهای مالیاتی یکی از موضوعات مهم در نظام مالیاتی است، اگرچه این

^۱ Creswell

اختلافات یک ریشه عمیق فرهنگی اجتماعی و فکری را با خود به دنبال دارد اما از نظر علمی و تجربی استفاده از سود خالص برای محاسبه مالیات یکی از عوامل این مهم بشمار می‌رود. با توجه به اهمیت موضوع، این پژوهش به دنبال شناخت عوامل مؤثر بر کاهش اختلافات مالیاتی با حسابرسی مالیاتی تراکنش‌های بانکی مؤدیان و ارائه مدل مناسب با توجه به شرایط ایران است. به منظور پاسخ به این نیاز، پژوهش حاضر ضمن مصاحبه با ۱۲ نفر از خبرگان شاخص در این زمینه و به کمک رویکرد زمینه‌بنیان چندوجهی تلاش نمود تا تصویر جامعی در این خصوص ارائه نماید. در راستای دستیابی به هدف پژوهش، سه نوع کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام گردید و مؤلفه‌ها و مقوله‌ها در غالب مقوله‌های علی، بستر و زمینه، مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها شناسایی و پیوند میان مقوله‌ها انجام گرفت، بنابراین بر اساس سؤالات و اهداف پژوهش، مؤلفه‌های مؤثر بر کاهش اختلافات مالیاتی با حسابرسی تراکنش‌های بانکی شرکت‌ها و مشاغل شناسایی و مدل مفهومی متناسب با آن ارائه گردیده است. نتایج تحقیق بیانگر آن است که سازمان امور مالیاتی نیازمند استفاده از مبانی و منابع اطلاعاتی مناسب برای تشخیص صحیح مالیات شرکت‌ها و مشاغل و کاهش اختلافات مالیاتی است، در همین راستا مؤلفه‌های مربوط به شرایط علی معرفی گردیدند که در تحقیقاتی همچون مهرکام و حصنی‌مقدم (۱۴۰۰)، موسوی و ابراهیمی‌کرهرودی (۱۳۹۷)، فلاحپور و همکاران (۱۳۹۲) نیز مورد تأکید قرار گرفته است. سازمان امور مالیاتی برای حسابرسی تراکنش‌های بانکی مؤدیان با محدودیتهایی از جمله مؤسسات مالی خارج از حوزه نظارت بانک مرکزی، تعدد حساب‌های بانکی، درآمدهای غیرنقد و تراکنش‌های غیردرآمدی، رازداری بانکی، روش‌های دریافت و پرداخت جایگزین مواجه است. تعدد حساب‌های بانکی و رازداری بانکی در پژوهش حاج محمدی (۱۳۸۸) نیز مورد تأکید قرار گرفته است اما سایر محدودیت‌های معرفی شده در پژوهش‌های پیشین مورد بررسی قرار نگرفته‌اند که این گزاره‌ها را می‌توان به عنوان نوآوری‌های پژوهش حاضر در تحقیقات آتی مورد بررسی قرار داد. در همین راستا با استفاده از راهبردهایی نظیر ارتقاء نرم‌افزارهای مالی و بانکی، تفکیک و ثبت تراکنش‌ها به لحاظ ماهوی، تکلیف قانونی و اعمال جرایم، ایجاد شبکه اطلاعات و اتصال سامانه‌ها و اجرای کامل طرح جامع مالیاتی تا حدود زیادی امکان حسابرسی تراکنش‌های بانکی و کاهش اختلافات مالیاتی فراهم می‌گردد. نهایتاً پیامدهای مثبت ناشی از به‌کارگیری راهبردها شامل ساده‌سازی و شفاف‌سازی نحوه تشخیص مالیات که در تحقیقات ساتیا (۲۰۱۹) و سوشما و سریواستوا (۲۰۱۴) نیز مورد تأکید قرار گرفته است، توزیع عادلانه بار مالیاتی که منطبق با تحقیق گارنات و همکاران (۲۰۲۰) است، اثبات درآمدهای کتمان شده، افزایش خوداظهاری و تمکین داوطلبانه، کاهش تشخیص‌های برآوردی و سلیقه‌ای، کاهش اختلافات و کوتاه شدن فرآیند دادرسی مالیاتی که در پژوهش‌های پیشین به آنها پرداخته نشده است و همگی

منجر به انجام یک حسابرسی بهینه و کاهش اختلافات مالیاتی می‌گردند. حسابرسی تراکنش‌های بانکی مؤدیان خلأهای موجود در روش‌های حسابرسی سنتی را از بین می‌برد و از تشخیص‌های برآوردی و سلیقه‌ای مأموران مالیاتی جلوگیری می‌نماید، این امر از یک طرف از طرح اعتراض توسط مؤدیان و اطاله مراحل داری جلوگیری می‌نماید و از طرف دیگر باعث تشویق مؤدیان به خوداظهاری و تمکین داوطلبانه می‌گردد. طبق نظر مصاحبه‌شوندگان تنها پیامد منفی ناشی از استفاده از تراکنش‌های بانکی مربوط به استفاده مؤدیان از اقدامات فرصت‌طلبانه است یعنی ممکن است مؤدیان معاملات خود را به شکلی برنامه‌ریزی نمایند که وجه نقد به حساب‌های بانکی آنها واریز نگردد، حسابرسی تراکنش‌های بانکی مؤدیان قادر به کشف این موارد نیست اما با استفاده از راهکارهایی نظیر بررسی مطالبات و بدهی‌های ابتدا و انتهای سال مالی، بهره‌گیری از سامانه مؤدیان و معاملات فصلی و محدود نمودن پول کاعذی تا حدود زیادی می‌توان از اقدامات فرصت‌طلبانه مؤدیان جلوگیری و یا آنها را کشف نمود. اقدامات فرصت‌طلبانه در پژوهش‌های پیشین مورد بررسی قرار نگرفته و به عنوان نوآوری این پژوهش در تحقیقات آتی می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد، علاوه بر این تحلیل کمی کاهش اختلافات مالیاتی با حسابرسی تراکنش‌های بانکی مؤدیان برای دستیابی به یک مدل رگرسیونی، بررسی تأثیر طرح جامع مالیاتی، سامانه مؤدیان و پایانه‌های فروشگاهی بر حسابرسی تراکنش‌های بانکی مؤدیان نیز از دیگر موضوعاتی است که توسط محققان می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد.

مهمترین محدودیت پژوهش حاضر مربوط به تعمیم‌پذیری نتایج آن است، با توجه به اینکه روش نمونه‌گیری در این پژوهش روش نمونه‌گیری نظری است و نمونه‌گیری تا زمانی ادامه پیدا می‌کند که محقق به اشباع نظری برسد، بیم آن وجود دارد که مؤلفه‌های شناسایی شده نظر کل جامعه نباشد که در این خصوص سعی گردید از افراد صاحب نظر، و با تجربه در خصوص موضوع پژوهش استفاده گردد تا در حد امکان نتایج قابل تعمیم باشد. در بخش پایانی بر اساس پیامدهای مثبت ناشی از حسابرسی تراکنش‌های بانکی مؤدیان در جهت کاهش اختلافات مالیاتی پیشنهاد می‌گردد حساب‌برسان مالیاتی برای اثبات درآمد شرکت‌ها و مشاغل ضمن حسابرسی تراکنش‌های بانکی آنها، از اسناد مثبت اخذ شده از سایر منابع نیز استفاده نمایند تا خلأ ناشی از استفاده مؤدیان از روش‌های دریافت و پرداخت جایگزین و اقدامات فرصت‌طلبانه آنها را پوشش دهند. همچنین بر اساس راهبردهای ارائه شده، برای حسابرسی تراکنش‌های بانکی مؤدیان نیاز است سامانه‌های مالیاتی به منابع داده بانک‌ها متصل گردد و امکان تفکیک تراکنش‌های درآمدی و غیردرآمدی فراهم گردد،

لذا پیشنهاد می‌گردد در جهت اتصال سامانه های مالیاتی به منابع داده بانک‌ها و تفکیک تراکنش‌های بانکی به لحاظ ماهوی توسط بانک‌ها، سازمان امور مالیاتی و مؤدیان سیاست‌گذاری و اقدام گردد.



منابع

۱. ارتا، فرناز، طاهری، محسن، آقایی بجستانی، مریم. (۱۴۰۰). دادرسی اداری اختلافات مالیاتی، ابزاری در راستای کاهش وقفه مالیاتی (مطالعه تطبیقی ایران و ایالات متحده آمریکا)، فصلنامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری، ۳ (۹)، ۱۱۱-۱۴۲.
۲. بابائی، احمدرضا، فغانی ماکرانی، خسرو، شهاب، محمدرضا. (۱۴۰۳). نقش مالیات مبتنی بر تراکنش‌های مالی در افزایش درآمد دولت، دانش سرمایه‌گذاری، ۱۳ (۵۱)، ۳۸۵-۴۰۴.
۳. برزگری دهج، محمد، کیقبادی، امیررضا، یعقوب نژاد، احمد، جهان‌شاد، آریتا. (۱۴۰۰). ارائه مدلی برای تهیه اظهارنامه برآوردی در اجرای مقررات ماده ۹۷ قانون مالیات‌های مستقیم، پژوهشنامه مالیات، ۲۹ (۴۹)، ۶۱-۸۲.
۴. بیگ‌پور، محمدعلی. (۱۳۸۲). حسابرسی مالیاتی، تهران، دانشکده امور اقتصادی.
۵. پاکدامن، حسن، فغانی ماکرانی، خسرو، شهاب، محمدرضا. (۱۴۰۱). نقش تراکنش‌های بانکی در اثربخشی نظام مالیاتی و کاهش شکاف مالیات‌های ابرازی با تشخیصی و قطعی اشخاص حقوقی، فصلنامه علمی مطالعات فقه اقتصادی، ۴ (۵)، ۶۳-۸۲.
۶. حاج‌صادقی، سعید، غلام‌نیا روشن، حمیدرضا، داداشی، ایمان. (۱۴۰۱). ارائه الگویی جهت ارزیابی حساب بانکی مشکوک با رویکرد تعیین آثار مالیاتی بر اساس مدل‌سازی معادلات ساختاری، پژوهشنامه مالیات، ۳۰ (۵۳)، ۷۰-۴۵.
۷. حاج محمدی، فرشته. (۱۳۸۸). الزامات قانونی دست‌یابی و تبادل اطلاعات بانکی و مالیاتی در داخل و خارج از کشور، پژوهشنامه مالیات، ۱۷ (۵)، ۹۳-۱۱۴.
۸. حکیمی، فرهاد، کاظمی، شمسی. (۱۴۰۲). رسیدگی مالیاتی تراکنش‌های بانکی از منظر حقوقی - اقتصادی، مطالعات حسابداری و حسابرسی، ۱۲ (۴۶)، ۱۴۳-۱۶۰.
۹. خانی، عبدالله، ایمانی، کریم، یوسفی، امین. (۱۳۹۳). اجتناب از مالیات، نحوه اندازه‌گیری و عوامل مؤثر بر آن، فصلنامه حسابداری و منافع اجتماعی، ۴ (۳)، ۱۲۲-۱۴۲.
۱۰. خدای پور، احمد، ترک‌زاده ماهانی، علی. (۱۳۹۰). مالیات و محافظه‌کاری در گزارشگری مالی و مربوط بودن اطلاعات حسابداری، پژوهش‌های حسابداری مالی، ۳ (۳)، ۱۲۷-۱۴۵.
۱۱. زین‌العابدینی، محمد، همتی، حسن، جباری، حسین، پناهیان، حسین. (۱۴۰۰). تدوین مدل جامع حسابرسی فناوری اطلاعات بر مبنای رویکرد گراندد تئوری، دانش حسابداری مالی، ۸ (۳)، ۴۹-۷۹.
۱۲. رستمی، جلال. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر فرآیندهای مالیاتی سازمان امور مالیات بر وصول مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی، مطالعات اقتصاد، مدیریت مالی و حسابداری، ۲ (۴)، ۱۶۱-۱۷۳.
۱۳. عبداللهی، حسین. (۱۳۹۹). تشخیص مالیات براساس تراکنش‌های بانکی در نظام حقوقی ایران، پژوهشنامه مالیات، ۲۸ (۴۸)، ۶۱-۸۲.
۱۴. فرخیان، علی، چاله‌چاله، عبدالله. (۱۳۹۸). کشف تراکنش‌های مشکوک به پولشویی بر اساس الگوی بافتاری حساب‌های بانکی، دانش حسابرسی، ۱۹ (۷۴)، ۲۳۷-۲۶۸.
۱۵. فرودی، مریم، حجازی، رضوان. (۱۴۰۰). ارائه الگوی کاهشی مدیریت سود مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد چند وجهی، مجله دانش حسابداری، ۱۲ (۴)، ۹۳-۱۱۴.
۱۶. فصلنامه مجلس و پژوهش، شماره شصت و سوم، ۱۳۹۰.
۱۷. فلاح‌پور، سعید، گل‌راضی، غلامحسین، فتوره‌چیان، ناصر. (۱۳۹۲). پیش‌بینی روند حرکتی قیمت سهام با استفاده از ماشین بردار پشتیبان بر پایه ژنتیک در بورس اوراق بهادار تهران، تحقیقات مالی، ۱۵ (۲)، ۲۶۹-۲۸۸.

۱۸. کریمی‌فرد، محمد. (۱۳۹۹). قلمرو نظارت بانک مرکزی بر موسسات بانکی غیر دولتی، چالشها و راهکارها، دانش و پژوهش حقوقی، (۶)، ۸۹-۱۱۸.
۱۹. مشایخی، بیتا، مهرانی، کاوه، رحمانی، علی، مداحی، آزاده. (۱۳۹۲). تدوین مدل کیفیت حسابرسی. فصلنامه بورس اوراق بهادار، ۶ (۲۳)، ۱۰۳-۱۳۷.
۲۰. موسوی، سیدیحیی، ابراهیمی کرهرودی، احمد. (۱۳۹۷). بررسی مشکلات و چالشهای نظام دادرسی مالیاتی ایران، پژوهشنامه مالیات، ۲۶ (۳۷)، ۷۳-۹۸.
۲۱. مهر کام، مهرداد، حصنی مقدم، فاطمه. (۱۴۰۰). بررسی اثرات مالیاتی رسیدگی به تراکنش‌های بانکی بر حقوق صاحبان سهام، تولیدات شرکت و صنعت، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، ۱۳ (۴۹)، ۱۹۵-۲۰۶.
۲۲. نصر، محمد علی، خواجوی، شکراله، عباسیان، عزت الله، آقایی، محمدعلی. (۱۳۹۸). طراحی چارچوب کنترل کیفیت برای موسسات حسابرسی و نهاد ناظر در ایران به روش نظریه داده بنیاد چند وجهی، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۸ (۳۰)، ۱۴۹-۱۷۴.
۲۳. نظری، علیرضا، فدایی، ایمان. (۱۳۹۲). آسیب شناسی نظام مالیاتی ایران، فصلنامه سیاستهای مالی و اقتصادی، (۴)، ۹۵-۱۱۰.
۲۴. نوذری، روح‌اله، شهابی، علیرضا. (۱۳۹۶). بررسی نگرش مؤدیان مالیاتی نسبت به سیستم ابراز و پرداخت مالیات الکترونیکی، فصلنامه مدیریت راهبردی در سیستم‌های صنعتی، ۱۲ (۴۱)، ۱۰۵-۱۱۸.
۲۵. یآوری، اسدالله، ادریسیان، حامد. (۱۳۹۷). راهکارهایی برای کاهش اطاله دادرسی مالیاتی، دانشنامه حقوق اقتصادی، (۱۴)، ۲۶-۱.
۲۶. Carton, B. Corugedo, E. F. & Hunt, M. B. L. (۲۰۱۹). Corporate tax reform: from income to cash flow taxes. International Monetary Fund.
۲۷. Cipriani, M. Guarino, A. Uthemann, A. (۲۰۲۲). Financial transaction taxes and the informational efficiency of financial markets: A structural estimation. Journal of Financial Economics, ۱۴۶ (۳), ۱۰۴۴-۱۰۷۲.
۲۸. Creswell, J. W. (۲۰۰۵). Planning, conducting, and evaluating quantitative and qualitative research. Educational Research.
۲۹. Darussalam, D. S. Kristiaji, B. B. & Vissaro, D. (۲۰۱۹). Era baru hubungan otoritas pajak dengan wajib pajak. Jakarta: DDTC.
۳۰. Deb, R. (۲۰۲۴). Tax Administration Reform: End of Tax Disputes in India? . MDIM Journal of Management Review and Practice, ۲ (۱), ۴۶-۶۰.
۳۱. Edwards, C. (۲۰۰۳). Replacing the scandal-plagued corporate income tax with a cash-flow tax. Cato Policy Analysis, (۴۳۱).
۳۲. Garnaut, R. Emerson, C. Finighan, R. & Anthony, S. (۲۰۲۰). Replacing corporate income tax with a cash flow tax. Australian Economic Review, ۵۳(۴), ۴۶۳-۴۸۱.
۳۳. Goldkuhl, G. Cronholm, S. (۲۰۱۰). Adding theoretical grounding to grounded theory: Toward multi-grounded theory. International journal of qualitative methods, ۹(۲), ۱۸۷-۲۰۵.
۳۴. Nuralina, R. (۲۰۲۳). The Effect of Profitability, Leverage, and Operating Cash Flow on Tax Avoidance in Manufacturing Companies in the Various Industries Sector. Indonesian. Journal of Economics and Management, ۴(۱), ۱۱۷-۱۲۸.
۳۵. Roshaiza, Taha. Sisiram, R. N. Colombage, Svetlana, M. & Loganathan, N. (۲۰۱۳). Does financial system activity affect tax revenue in Malaysia? Bounds testing and causality approach. Journal of Asian Economics, ۲۴, ۱۴۷-۱۵۷.

۳۶. Satya, K. V. (۲۰۱۹). Emerging trends of digital transactions replacing cash transactions in India—An empirical Study. *Journal of Xi'an University of Architecture & Technology*, ۱۱(۱), ۱۱۲-۱۱۹.
۳۷. Strauss, A. & Corbin, J. (۱۹۹۸). *Basics of qualitative research: techniques and procedures for developing grounded theory* (۲nd Ed). Sage publications, thousand oaks, CA, USA.
۳۸. Strauss, Anselm L. & Corbin, Juliet (۱۹۹۰), *Basics of qualitative research: grounded theory procedures and techniques*, Sage.
۳۹. Suharno. (۲۰۲۰). *Mengadili Kebijakan Perspektif Demokrasi Dan Negara Hukum* (I). CV. INDOTAMA.
۴۰. Sushma, Ms. & Srivastava, Namita. (۲۰۱۴), *Bank transaction tax: An approach to tax reform in india -a clinical review*. *International Journal of Scientific & Engineering Research*, ۵ (۱۲), ۱۱۷-۱۲۳.
۴۱. PWC, World Bank Group. (۲۰۲۰). *Paying Taxes ۲۰۲۰: The changing landscape of tax policy and administration across ۱۹۰ economies*.

